

# نماز رمز آزادی

نویسنده: خادم حسین صالحی

تاریخ: ۱۳۹۴/۸/۴

## چکیده

تردیدی نیست که نماز مهم‌ترین وسیله ارتباطی بنده با خدا است، زیرا خدای سبحان می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»<sup>(۱)</sup>. به یاد من باش یعنی با من در ارتباط باش؛ و از صبر و نماز، در غم‌ها و مشکلات کمک بگیرد: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»<sup>(۲)</sup>.

و نیز تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین مشکلات بشر اسارت و بردگی است، اکثر مردم یا در اسارت امیال نفسانی و شیطانی است و یا در اسارت قدرت‌های جهانی و انسان‌های مستکبر زورمند و یا در اسارت هرد.

به‌طورکلی نماز دو اثر مهم در زندگی انسان دارد، یکی رهایی از اسارت‌های نفسانی و قدرت‌های شیطانی است، دیگری عروج به‌سوی ملکوت است، آسمانی شدن است و تقرب به خداوند متعال است. این مقاله به بررسی اثر اول تحت عنوان «نماز رمز آزادی» در یک مقدم و دوازده اصل پرداخته است.

## کلمات کلیدی

نماز، آزادی، بندگی، وحدانیت، رسالت، ولایت و امامت، معبود، ناصر، مالک و هادی.

## مقدمه

منشأ عبادت و بندگی دو چیز است. یک منشأ فطری است هر انسان فطرتاً به دنبال معبودش می‌گردد تا او را بیابد و از اوامر و نواهی او پیروی کند از این‌روست که خداوند متعال فلسفه خلقت انسان را بر

<sup>۱</sup>. سوره طه، (۲۰)، آیه ۱۴.

<sup>۲</sup>. سوره بقره، (۲)، آیه ۴۵.

اساس عبادت بنانهاده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>(۱)</sup>؛ جن و انس را، جز برای پرستش و بندگی خود نیافریدم؛ و لذا انبیایی متعدد را مبعوث نمود تا این فلسفه الهی به درستی محقق شود «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»<sup>(۲)</sup>، در هر امتی پیامبری برانگیختم که (به مردم بگویند): بنده خدا باشید و از طاغوت بپرهیزید.

منشأ دیگر عبادت و بندگی نیازمندی انسان است، بنابراین قرائن و شواهد تاریخی بسیار وجود دارند که انسان‌ها در طول تاریخ از هر قوم نژادی معبودهای مختلفی را عبادت کردند و می‌کنند، اعم از معبود حقیقی یعنی خداوند سبحان و معبودهای بدلی مانند ماه، خورشید، ستاره، آتش، شیطان، حاکمان جبار، گاو، گوساله، سنگ، درخت، دریا و اشیای دیگر را، برای رهای از ظلم و ستم، رهای از غم و درد، رهای از گرسنگی و تشنگی و رهای از زنجیر اسارت و بردگی.

بنابراین نیازها است که انسان را به زنجیر اسارت و بندگی می‌کشاند. برای رهای از اسارت و بندگی لازم است که انسان معبود حقیقی خود را بشناسد و از او پیروی کند، در این صورت است که هم به نیازهای روحی و فطری خود پاسخ مثبت داده؛ و هم نیازهای جسمانی و اجتماعی خود را برطرف نموده است.

## روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی اخلاقی، اجتماعی و تربیتی، در قرآن و سنت معصومین (ع)، با روش توصیفی، تحلیلی و کتابخانه‌ای است؛ که هنگام تبیین مطالب، اقدام به فیش‌برداری، موضوع‌بندی و تنظیم گردیده است. منابع مورداستفاده: قرآن کریم، تفاسیر و کتب روای معتبر بوده است که در بخش منابع درج شده است.

## ۱. مفهوم نماز

۱. سوره زاریات، (۵۱)، آیه ۵۶.

۲. سوره نحل، (۱۶)، آیه ۳۶.

گروهی بر این باورند که واژه‌ی «نماز» در لغت فارسی از لفظ پهلوی «نماک» و آن‌هم از ریشه‌ی ایران باستان واژه‌ی «نم» به معنای خم شدن و تعظیم کردن گرفته شده است<sup>(۱)</sup>

عمید می‌نویسد: نماز یعنی پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی. (۲)

نماز در زبان عربی به معنای صلاة است. راغب می‌نویسد: که «صلاة» از عبادات مخصوص است، اصلش دعاست و وجه نام‌گذاری آن عبادت به «صلاة» مثل نامیدن چیزی به اسم بعضی از محتوای آن است که آن را در برمی‌گیرد. (۳)

صاحب قاموس می‌نویسد: «صلاة» توجه و انعطافی است از بنده به خدا همان‌طور که از خدا به بنده؛ و آن درواقع یادآوری مخصوص خدا و رو کردن به سوی خدای عزّ و جلّ است با کیفیتی که شرع بیان داشته. (۴)

بستانی می‌نویسد: صلاة یعنی دعا کردن و نماز خواندن (۵).

جر خلیل صلاة را به انعطاف پذیری معنا می‌کند: «صلى العضا بالنار وعليها، عصا را» بر آتش گردانید تا برای راست کردن نرم شود (۶).

## ۲. رهایی از آلودگی ظاهری و باطنی

نماز گذار از آلودگی‌های ظاهری و باطنی رهای پیدا می‌کند، زیرا نماز دارای شرایط صحت و قبولی است و نماز گذار سعی می‌کند نماز را همراه با شرایط بخواند. یکی از شرایط صحت نماز این است، بدن نمازگزار، لباس نمازگزار، مکان نمازگزار، آب که نمازگزار با آن وضو می‌گیرد و غسل می‌کند و خاک که نمازگزار با آن تیمم می‌کند باید از هرگونه آلودگی ظاهری و باطنی پاک و طاهر باشد، یعنی آلوده به نجاست نباشد، غضب نباشد و از اجزای حیوان حرام‌گوشت نباشد.

۱. معین، محمد. برهان قاطع، ج ۴، ص ۲۱۶۷.

۲. عمید، حسن. فرهنگ عمید، ص ۱۰۴۵. تهران: چاپ خانه سپهر. چاپ هجدهم ۱۳۶۲.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن، ج ۲، ص ۴۱۶. تهران: نشر مرتضوی. چاپ: دوم، ۱۳۷۴.

۴. قرشی، علی‌اکبر. قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۴۸. تهران: دار الکتب السلامیه. چاپ: ششم، ۱۳۷۱.

۵. بستانی، فواد افرام. فرهنگ ابجدی، ص ۵۵۷. تهران: نشر اسلامی. چاپ: دوم، ۱۳۷۵.

۶. جر، خلیل. فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان، ج ۲، ص ۱۳۲۹. تهران: چاپ خانه سپهر، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

و یکی از شرایط قبولی نماز این است که نمازگزار باید زکات و حقوق مستمندان را بپردازد؛ غیبت نکند؛ از تکبر و حسد بی پرهیزد. نمازگزار باید از هرگونه ظلم و تجاوز به دیگران، رباخواری، کم‌فروشی، رشوه‌خواری، غصب اموال دیگران و شرب خمر بی پرهیزد، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «يَا عَلِيُّ شَارِبُ الْخَمْرِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَلَاتَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا»<sup>(۱)</sup>؛ یا علی: خداوند عز و جل نماز شراب‌خوار را تا چهل روز قبول نمی‌کند.

از این روست که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ فِيكُمْ كَمَثَلِ السَّرِيِّ وَهُوَ النَّهْرُ عَلَى بَابِ أَحَدِكُمْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ يَغْتَسِلُ مِنْهُ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَبْقَ الدَّرَنُ مَعَ الْغُسْلِ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَلَمْ يَبْقَ الذُّنُوبُ مَعَ الصَّلَاةِ خَمْسَ مَرَّاتٍ»<sup>(۲)</sup>؛ مثل نماز مانند نهر آب صافی است به در خانه کسی که خود را در آن شست‌وشو می‌دهد؛ اگر کسی در شبانه‌روز پنج مرتبه خود را با آب پاک شست‌وشو دهد، هرگز بدن او آلوده و کثیف نمی‌شود. همچنین کسی که در شبانه‌روز پنج مرتبه نماز بخواند و قلب خود را در این چشمه صاف معنوی شست‌وشو دهد، هرگز آلودگی گناه بر دل و جان او باقی نمی‌ماند.

بنابراین نماز مانند یک نهر روان است که هم آتش‌های گذشته را خاموش می‌کند و هم نمی‌گذارد انسان بعداً گرفتار آتش شود. هم جلو آلودگی‌ها را می‌گیرد و هم آلودگی‌های گذشته را از بین می‌برد. این اثر نماز است که در قرآن کریم بیان شده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذَكَرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»<sup>(۳)</sup>؛ نماز را بر پادار. زیرا به‌راستی که نماز، انسان را از زشتی‌ها و بدی بازمی‌دارد؛ و حتماً یاد و ذکر خداوند بزرگ‌تر است؛ و خدا به آنچه شما انجام می‌دهید علم و آگاهی دارد.

### ۳. رهایی از بی‌نظمی

با توجه به این‌که نماز از حیث زمان دارای نظم است و هر نمازی وقت مخصوص و معینی دارد و نمازگزار باید نمازهای خود را در آن اوقات بخواند. از حیث جهت نیز دارای نظم است، همه

<sup>۱</sup>. ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص ۳۵۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.

<sup>۲</sup>. همان، ج ۱، ص ۲۱۱.

<sup>۳</sup>. سوره عنکبوت، (۲۹)، آیه ۴۵.

نمازگزاران باید به سمت قبله نماز بخوانند و نیز از حیث افعال از کار منظم است، قیام، رکوع و سجود باید در جای خود انجام گیرد و از کار هرکدام باید در جای خودش خوانده شود. پیام این دستورات این است که ای انسان هر کاری باید در وقت و مکان خودش انجام گیرد زیرا وقت‌شناسی و مکان‌شناسی امر بسیار مهم است، حتی عبادت خدا باید در زمان و مکان و جهت خاص انجام گیرد، باینکه خدا محدود به زمان، مکان و جهت نیست.

## ۴. رهایی از ترس قدرت‌های پوشالی

«الله اکبر»

انسان موجودی را عبادت و پرستش می‌کند که یا او را مستحق عبادت می‌داند. امام علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ»<sup>(۱)</sup>؛ گروهی خدا را از روی سپاسگزاری پرستیدند و این پرستش آزادگان است.

و یا او را از همه بزرگ‌تر و برتر می‌داند و او را ناجی خود در سختی‌ها و گرفتاری‌ها می‌داند، خود را نیازمند و محتاج او می‌داند و او را عالم و دانا می‌پندارند؛ و لذا در سختی‌ها و گرفتاری‌ها به او پناه می‌برد و از او استمداد می‌جوید و او را پناهگاه خود قرار می‌دهد؛ چنانکه در جوامع انسانی بسیار دیده می‌شود که مردم در مقابل حکام و افراد قدرتمند و زورگو تواضع و کرنش می‌کند چون خود را در مقابل آن‌ها ناتوان و ضعیف می‌یابد و در مقابل ثروتمندان کرنش می‌کند چون خود را نیازمند می‌بیند و در مقابل علماء و دانشمندان کرنش می‌کند چون خود را جاهل و نادان می‌یابد.

نماز با این جمله شروع می‌شود «الله اکبر» یعنی خداوند متعال از همه بزرگ‌تر و برتر است، او ناجی شما است به او پناه بی‌برید او را پرستش کنید که او مستحق پرستش است زیرا او داناترین، غنی‌ترین موجود هستی است و او قادر متعال است: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>(۲)</sup>. او از همه بزرگ‌تر و برتر است: «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ»<sup>(۳)</sup>. «وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ»<sup>(۴)</sup>؛ و او از همه داناتر است: «يَعْلَمُ مَا بَيْنَ

<sup>۱</sup>. شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغة (للصباحی صالح)، حکمت ۲۳۷. ص ۵۱۰. قم: هجرت. چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

<sup>۲</sup>. سوره بقره، (۲) آیه ۲۰.

<sup>۳</sup>. سوره بقره، (۲) آیه ۲۵۵. سوره شوری، (۴۲) آیه ۴.

<sup>۴</sup>. سوره حج، (۲۲) آیه ۶۲. سوره لقمان، (۳۱) آیه ۳۰. سوره سبأ، ۳۴۹ آیه ۲۳.

أُيَدِيهِمْ وَمَا خَلَقَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (۱)؛ خدا آنچه را که در جلو و پشت سر مردم است می‌داند. آنان به چیزی از علم او احاطه ندارند مگر آنچه را که او بخواهد. علم خدا آسمان‌ها و زمین را فراگرفته است «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا» (۲)؛ خداوند، آگاه به غیب است کسی بر غیب او آگاه نیست.

با گفتن «الله‌اکبر» انسان احساس قدرت، عزت و افتخار می‌کند، زیرا بر بزرگ‌ترین و قدرتمندترین و داناترین و غنی‌ترین موجود هستی تکیه زده است و با او ارتباط برقرار کرده است و با او پیمان امنیتی، سیاسی و اقتصادی بسته است، چنانکه خداوند متعال به پیامبر اسلام (ص) می‌گوید که به آن‌ها بگو: «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (۳)؛ بگو: خدا برای من کافی است، خدایی جز او نیست، بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ.

و شعیب پیامبر خطاب به قومش فرمود: «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (۴)؛ توفیق من تنها با خداست. به او توکل کرده‌ام و به درگاه او روی می‌آورم.

مسلماً با گفتن «الله‌اکبر» در مقابل قدرت‌های اهرمنی، شیطانی و طاغوتیان اعلام جنگ کردی، زیرا آن‌ها خود را نسبت به سایرین بزرگ‌تر و برتر می‌دانند، وقتی شما می‌گوید خدا بزرگ‌تر و برتر است، آن‌ها این شعار و این اعتقاد را نمی‌پذیرند و لذا با تمام قدرت و توان نیرنگ به سراغ شما می‌آیند تا این اعتقاد را از شما بگیرد.

اما شما دیگر از قدرت و نیرنگ آن‌ها نمی‌هراسید زیرا شما اعتقاد دارید که خدا از همه بزرگ‌تر و برتر است و این اعتقاد به شما شجاعت و عزت نفس می‌دهد که دیگر از هیچ قدرتی شیطانی و طاغوتی نمی‌هراسید و دیگر از گرسنگی، تشنگی و مرگ نمی‌هراسید؛ زیرا شما با گفتن «الله‌اکبر» ابهت همه ابرقدرت‌ها را شکستید و خط بطلان بر همه قدرت‌های طاغوتی، وسوسه‌های ابلیس و جاذبه‌های مادی کشیدید؛ و این است رمز پیروزی، رمز رسیدن به کمال، رمز آزادی از اسارت و بردگی.

۱. سوره بقره، (۲) آیه ۲۵۵.

۲. سوره جن، (۷۲) آیه ۲۶.

۳. سوره توبه، (۹) آیه ۱۲۹.

۴. سوره هود، (۱۱) آیه ۸۸.

## ۵. رهایی از خدایان دروغین

«اشهد ان لا اله الا الله»

این شعار توحید است، در نماز با این شعار اعلام می‌کنیم هیچ خالق غیر از خدا وجود ندارد، در گستره هستی فقط یک خالق وجود دارد که آن خداوند متعال است، این شعار نفی خدایان زر و زور تزویر است، کنار گذاشتن خدایان سنگی و چوبی است، کنار گذاشتن خدایان خرافی ماه خورشید و ستاره و خدایان گاو انسان و شیطان است، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup>؛ بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان و منصفانه است (و آن اینکه) جز خدا را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، بعضی از ما بعضی را بجای خدا ارباب نگیرد.

این شعار توحید است یعنی تنها در این جهان و جهان آخرت یک نفر حق خدای دارد و یک نفر از همه برتر است و ان خدای سبحان است و بقیه از هر نژاد، رنگ و از هر سرزمین و ملیت برابر مساوی‌اند و کسی حق ندار خود را نسبت به دیگران برتر و بهتر بداند، رنگ نژاد ملیت علائم برتری نیست، علائم تمایز و شناخت همدیگر است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»<sup>(۲)</sup>؛ ای مردم! ما شمارا از یک مرد و زن آفریدیم و سپس شمارا گروه‌گروه و به‌صورت قبیله‌ها قراردادیم تا همدیگر را بشناسید.

منابع این جهان اعم از آب، خاک و هوا و منابع زیرزمینی، مال همه است مربوط به همه است، همه به‌صورت مساوی حق استفاده و بهره‌برداری دارند، این منابع برای افراد خاصی آفریده نشده است. چنانکه خداوند متعال در آیات متعدد به‌صورت مطلق می‌فرماید که زمین، آسمان، آب، گیاه و حیوانات را برای شما آفریدم:

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ»<sup>(۳)</sup>؛ و شمارا در زمین جای دادیم و در آن برای شما وسایل معیشت و زندگی قراردادیم؛ یعنی زمین برای همه مردم است و سائل معیشت نیز برای همه

<sup>۱</sup>. سوره آل عمران (۳) آیه ۶۴.

<sup>۲</sup>. سوره حجرات، (۴۹)، آیه ۱۳.

<sup>۳</sup>. سوره اعراف، (۷)، آیه ۱۰.

مردم است. مخصوص قوم و نژاد خاص نیست، کسی حق ندارد سرزمین‌های حاصل خیز و دارای منابع را با زر و زور تزویر تصاحب نماید و دیگران را از آن محروم نماید.

«وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ»<sup>(۱)</sup>؛ در زمین برای شما و سائل زندگی به وجود آورده‌ایم و برای آن‌ها که رازق آن‌ها نیستید (نیز و سائل آفریده‌ایم). این آیه نیز می‌گوید و سائل زندگی برای همه مردم است مختص قوم و نژاد خاص نیست.

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا»<sup>(۲)</sup>، خدا زمین را برای زندگی شما آماده کرده است؛ یعنی محل زندگی تمام افراد بشر است همه حق دارد که در روی این زمین زندگی کنند از منابع آن بهره‌مند شوند.

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»<sup>(۳)</sup>؛ همان خدائی که زمین را برای شما فرش قرار داده و آسمان را بنانهاده است و از آسمان آبی فرو فرستاده و به وسیله آن میوه‌جاتی آفریده که رزق شما باشد.

«وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً»<sup>(۴)</sup>؛ خداوند آب را از آسمان برای شما نازل نموده است. آب نیز مال همه است همه موجودات حق استفاده از آن را دارند.

اما اینکه بعضی از حکومت‌ها کشورگشای می‌کنند و سرزمین‌های حاصل خیز و دارای منابع را به زور تصاحب می‌کنند و بعد می‌گویند در این سرزمین‌ها قوم و نژاد خاص حق زندگی دارند و منابع این سرزمین از آن ما است و مرز جغرافیایی ایجاد می‌کنند و انسان‌های بسیاری را نسل‌اندنسل محروم می‌کنند و از این طریق دیگران را به استعمار، استحمار و استضعاف می‌کشاند برخلاف اطلاق آیات فوق است.

اما این شعار توحیدی می‌گوید: در جهان یک خالق و مالک وجود دارد، آسمان، زمین، آب، هوا همه از آن اوست و او در اختیار بندگانش قرار داده و به همه اجازه استفاده و بهره‌برداری داده است، او در

۱. سوره حجرات، (۱۵)، آیه ۲۰.

۲. سوره طه، (۲۰)، آیه ۵۳.

۳. سوره بقره، (۲)، آیه ۲۲.

۴. سوره نمل، (۲۷)، آیه ۶۰.



سرزمینش مرز جغرافیایی قرار نداده است، مرز بین سیاه‌وسفید قرار نداده همه بندگان اوست و سرزمین هم از آن اوست.

مسلماناً صاحبان زر زور تزویر این شعار را نمی‌پذیرد، نمرودها، شدادها، هیتلرها و فرعون‌ها و... که خود را خدایان روی زمین می‌پندارند، با صاحبان این عقیده جنگ و ستیزه می‌کنند، تمام توان و تلاشش را برای نابودی یا به انحراف کشیدن این عقیده بکار می‌برند، متأسفانه تا حد موفق شدند. این عقیده انحرافی باعث شد که بعضی فکر می‌کنند که آن‌ها برده خلق شده‌اند و نسل‌اندرا نسل برده خواهد بود و هیچ‌گونه حق تصمیم‌گیری و انتخاب ندارند؛ و بعضی دیگر فکر می‌کنند نجیب‌زاده به دنیا آمده‌اند از همه بهتر و برتر است، دیگران باید در خدمت آن‌ها باشند؛ و بعضی دیگر مانند قوم یهود فکر می‌کنند که آن‌ها بنده برگزیده خدا است، دیگران به خاطر آن‌ها و برای آن‌ها آفریده شده است و آن‌ها حق دارند که هر نوع دخل تصرف در جان و مال دیگران داشته باشند. «در طول تاریخ، یهودیت برداشت‌های متفاوتی از اندیشه قوم برگزیده داشته است. افراطی‌ترین برداشت از این اندیشه، برداشت صهیونیست‌های یهودی است. مطابق این برداشت، قوم اسرائیل برتر و بالاتر از اقوام دیگر و در واقع از جنس دیگری است»،<sup>(۱)</sup>.

بعضی دیگر مانند وهابی‌ها فکر می‌کنند فقط آن‌ها مسلمانان واقعی هستند و بقیه مشرک‌اند و به بهانه توحید مسلمانان را مشرک می‌دانند، مالشان را حلال و خونشان را مباح می‌دانند. به‌عنوان نمونه، ابن تیمیه در مورد تقلید از مذاهب اربعه می‌گوید: «فَمَنْ قَالَ: أَنَا شَافِعِيٌّ الشَّرْعِ أَشْعَرِيٌّ الْإِعْتِقَادِ قُلْنَا لَهُ: هَذَا مِنْ الْأَضْدَادِ لَا بَلْ مِنْ الْإِرْتِدَادِ.»<sup>(۲)</sup>؛ هر کس بگوید: من در فقه، شافعی هستم و از نظر کلامی، اشعری هستم، این‌ها ممکن نیست و ضد هم هستند، بلکه هرکس چنین اعتقادی داشته باشد، مرتد هست.

جمیل صدق الزهاوی در کتاب فجر صادق می‌نویسد: «كان محمد بن عبد الوهاب إذا اتبعه أحد وكان قد حجَّ حجة الإسلام، يقول له: حجّ ثانياً! فإنَّ حجَّتكَ الأولى فعلتها وأنت مشرك، فلا تقبل، ولا تسقط عنك الفرض. وإذا أراد أحد الدخول في دينه، يقول له بعد الشهادتين: اشهد على نفسك إنك كنت كافراً، وعلى والديك أنهما ماتا كافرين، وعلى فلان وفلان، ويسمى جماعة من أكابر العلماء الماضين أنهم كانوا كفاراً.»

<sup>۱</sup>. هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، مقاله آقای عبدالرحیم سلیمانی، ش ۲۲، تابستان ۸۳، ص ۱۱۳.

<sup>۲</sup>. الحرائی أبو العباس، أحمد عبد الحلیم بن تیمیة. کتب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة. تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، ج ۴، ص ۱۷۷. دار النشر: مکتبة ابن تیمیة، چاپ دوم.

فإن شهد قبله، وإلّا قتله، وكان يصرّح بتكفير الأمة منذ ستّائة سنة، ويكفر من لا يتبعه، ويسمّيهم المشركين، ويستحلّ دماءهم وأموالهم»<sup>(۱)</sup>؛ اگر چنانچه کسی به مذهب وهابیت درمی آمد و قبلاً حج واجب انجام داده بود «محمد بن عبد الوهاب» به وی می گفت: باید دوباره به زیارت خانه خدا بروی چون حج گذشته تو در حال شرک صورت گرفته است؛ و به کسی که می خواست وارد کیش وهابیت بشود می گفت: پس از شهادتین باید گواهی دهی که در گذشته کافر بوده ای و پدر و مادر تو نیز در حال کفر از دنیا رفته اند و همچنین باید گواهی دهی که علماء بزرگ گذشته کافر مرده اند. اگر چنانچه گواهی نمی داد، وی را می کشتند.

آری او بر این باور بود که تمام مسلمانان در طول دوازده قرن گذشته کافر بوده اند و هرکسی را که از مکتب وهابیت پیروی نمی کرد او را مشرک دانسته و خون و مال او را مباح می کرد.

این گروه منحرف مسلمانان را دچار تفرقه نموده است و ثروت مسلمین را در جهت تقویت استکبار جهانی مثل آمریکا، انگلیس، اسرائیل و... هزینه می کنند.

اما نمازگزار می توانند به این شعار توحیدی جامه عمل بی پوشاند و خود را از این اندیشه های خرافی و بی اساس که مایه تمام بدبختی ها است رهای بخشد. آری نماز واقعی که اگر به آن عمل شود موجب آزادی انسان از اسارت و بندگی و اعتقادات خرافی و بی اساس می شود؛ و در نتیجه تمام اختلافات طبقاتی و اعتقادی کنار گذاشته می شود و جامعه ای انسانی به سعادت دنیا و آخرت می رسد.

## ۶. رهایی از جهل و نادانی

«اشهد ان محمد الرسول الله»

این شعار رسالت است، در نماز با این شعار اعلام می کنیم که محمد (ص) و انبیایی ماقبل او پیام آورانی از جانب خداوند متعال است. فلسفه بعثت انبیاء این است که بشر را از تاریکی جهل و نادانی نجات دهند و به سمت دانای و نور هدایت کنند، زیرا عامل همه بدبختی ها جهل و نادانی است؛ اگر کسی اعتقاد به خرافات دارد به خاطر نادانی است. اگر کسی بت و شیطان را می پرستد به خاطر

<sup>۱</sup>. الزهاوی، جمیل صدقی. الفجر الصادق، ص ۱۷. استانبول: مکتبه اشیق. چاپ ۱۹۸۴ م.

نادانی است. اگر کسی ظلم و تعدی به دیگران می‌کند به خاطر نادانی است. اگر کسی از ظلم پیروی می‌کند به خاطر نادانی است.

الف. پیام آن‌ها هدایت به صراط مستقیم است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَتَذِيرًا. وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِآذَنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا»<sup>(۱)</sup>؛ ای پیامبر! ما تو را گواه (گواه امت) و نویددهنده و اعلام‌خطر کننده و دعوت‌کننده به سوی خدا به اذن و رخصت خود او و چراغی نورده فرستادیم.

ب. پیام آن‌ها اجرای عدالت است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>(۲)</sup>؛ ما پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و معیار فرود آوردیم تا مردم عدل و قسط را به پادارند.

ج. پیام آن‌ها جهاد مبارزه با ظلم و ستم تزویر است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»<sup>(۳)</sup>؛ به تحقیق، در میان هر امتی رسولی را برانگیختیم تا آنان را به یکتاپرستی بخواند و از پرستش طاغوت بازدارد.

د. پیام آن‌ها مبارزه با جهل و نادانی است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»<sup>(۴)</sup>؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد، زیرا از خود آنان رسولی را در میان آن‌ها برانگیخت تا آیات الهی را بر آنان فراخواند، آنان را تزکیه نماید و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد، اگرچه آنان پیش‌ازاین در گمراهی آشکار بودند.

ه. پیام آن‌ها محبت و دوستی نسبت به یکدیگر است، آسایش جامعه انسانی است، رهای از اسارت خدایان دروغین است، رهای از اسارت شیطان و شیطان‌صفتان است.

۱. سوره احزاب، (۳۳)، آیه ۴۵.

۲. سوره حدید، (۵۷)، آیه ۲۵.

۳. سوره نحل، (۱۶)، آیه ۳۶.

۴. سوره آل عمران، (۳)، آیه ۱۶۴.

نماز می‌گوید: از این پیام‌آوران الهی پیروی کنید تا از انحراف و کج‌روی نجات یابید، از ظلم ستم نجات یابید، از جهل و نادانی نجات یابید، از اسارت و بندگی مستکبرین نجات یابید، از بندگی خدایان دروغین نجات یابید، از نفس‌پرستی و شیطان‌پرستی نجات یابید.

## ۷. رهایی از ظلم و فساد

«شهد ان علیا ولی الله»

این شعار ولایت است، در این شعار می‌گوید ای انسان‌ها شما در اداره امور خودتان در اجرای احکام و قوانین نیازمند امام و ولی هستید. این امام عقلاً و شرعاً باید نسبت به دیگران فضلت و برتری داشته باشد، تابی تواند عدالت اجتماعی را اجرا کند و با ظلم و فساد مبارزه نماید، از حقوق مظلومین دفاع کند و بندگان خدا را به سوی فضائل و معارف دینی هدایت و راهنمای کند. و لذا امام باید دارای شرایط خاص باشد که در ذیل به بعضی آن‌ها اشاره می‌شود:

### الف. معصوم باشد

عصمت از شرایط اساسی امام است. محورهای عصمت در امام عبارت‌اند از: عصمت در شناخت و تبیین معارف و احکام دین. عصمت در عمل به احکام و دستورات دینی. عصمت از خطا در تشخیص مصالح و مفاسد جامعه اسلامی.

از این رو است که خداوند متعال عصمت و پاکی امامان را تضمین نموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»<sup>(۱)</sup>، خداوند (باراده تکوینی) می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شمارا پاک سازد.

روایات فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارند که رسول خدا (ص) صراحتاً مصداق «اهل بیت» در آیه تطهیر را روشن کرده است، از جمله، «عایشه گفت: که رسول خدا صبح هنگام بیرون رفتند و بر روی دوش ایشان عبایی طرح دار از موی سیاه بود. پس حسن بن علی آمد پس او را در زیر عبا گرفت. پس حسین آمد و او را نیز وارد کرد. پس فاطمه آمد او را نیز وارد کرد. پس علی آمد او را

<sup>۱</sup> احزاب، (۳۳)، آیه ۳۳.

نیز وارد کرد. سپس فرمود: خداوند می‌خواهد از شما اهل بیت پلیدی‌ها را دور کند و شمارا پاک نماید»،<sup>(۱)</sup>

«از عمر بن ابی سلمه پسر همسر رسول خدا نقل شده است که وقتی آیه «انما یرید الله...» بر پیامبر نازل شد، من در خانه‌ام سلمه بودم، رسول خدا فاطمه، حسن و حسین را خواست، علی (ع) نیز پشت سر آن حضرت بود، کساء را بر سر همه آنها پوشاند و سپس فرمود: خدایا این‌ها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنها دور کن و آنان را پاک و پاکیزه بگردان. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا من هم جزء آنها (اهل بیت) هستم؟ آن حضرت فرمود: سر جای خودت بمان، تو بر خوبی هستی»،<sup>(۲)</sup>

ابن عباس می‌گوید: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمودند: «أَنَا وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْهُ وَوَلَدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ.»<sup>(۳)</sup>، من و علی، حسن، حسین و نه نفر دیگر از فرزندان حسین (از هر نوع آلودگی و معصیت) پاک و معصوم هستیم.

پیامبر اکرم (ص) درباره امام علی و سایر ائمه (ع) فرمودند: «فَإِنَّهُمْ خَيْرَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَصَفْوَتُهُ وَهُمْ الْمَعْصُومُونَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَخَطِيئَةٍ.»<sup>(۴)</sup>، آنان، برگزیدگان خداوند هستند و از هر گناه و خطایی معصوم می‌باشند.

امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: «الْإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْمُبْرَأُ عَنِ الْغُيُوبِ»<sup>(۵)</sup>، امام از گناهان پاک و از عیب‌ها برکنار است.

و نیز فرمودند: «فَهُوَ مَعْصُومٌ مُؤَيَّدٌ مُوَقَّقٌ مُسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعِثَارِ يَخُصُّهُ اللَّهُ بِذَلِكَ لِيَكُونَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ وَشَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ»<sup>(۶)</sup>، امام معصوم است و مشمول کمک و تأیید خدا است

<sup>۱</sup> النيسابوری القشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۸۳، ح ۲۴۲۴. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

<sup>۲</sup> الترمذی السلمی، ابو عیسی محمد بن عیسی. سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۵۱، ح ۳۲۰۵. تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

<sup>۳</sup> خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۱۹. محقق: حسینی کوهکمری، عبد اللطیف. قم: بیدار، چاپ، ۱۴۰۱ ق.

<sup>۴</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی (للصدوق)، ص ۵۸۳. تهران: کتابچی. چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.

<sup>۵</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰. تحقیق: غفاری، علی اکبر. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ، چهارم، ۱۴۰۷ ق.

<sup>۶</sup> همان، ج ۱، ص ۲۰۳.

از خطا و لغزش در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر بندگان و شاهد بر خلائق باشد.

امام سجاد (ع) می‌فرماید: «الْإِمَامُ مِنَّا لَا يَكُونُ إِلَّا مَعْصُومًا»<sup>(۱)</sup>، امام از ما (اهل بیت) حتماً معصوم است.

امام صادق (ع) فرمودند: «وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَوْصِيَاءُ لَا ذُنُوبَ لَهُمْ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ»<sup>(۲)</sup>، پیامبران و وصی آنها گناه ندارند؛ زیرا آنها از هر گناه و خطایی پاک و معصوم هستند.

این روایات به صورت صریح بیان می‌کند که امام باید معصوم باشد؛ و غیر معصوم نمی‌تواند امام و خلیفه باشد.

### ب. اعلم باشد

علم و دانش از شرایط اصلی امام است چنانکه خداوند متعال در موارد متعدد به این شرط اشاره نموده است. راجع به حضرت داود می‌فرماید: و سلطنت او را (داود) قوی کردیم و دانش و حکومت به او عطا کردیم،<sup>(۳)</sup> راجع به حضرت سلیمان و داود می‌فرماید: و به راستی که ما به حضرت داود و سلیمان علیهما السلام علم و دانش وسیعی عطا کردیم،<sup>(۴)</sup> راجع به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «و نیز (مردم را) به سوی خدا دعوت کنی و چراغی باشی نورانی»<sup>(۵)</sup>. و نیز می‌فرماید: «یا محمد (ص) بگو: این راه و روش من و پیروان من است که (بشر را) با بینش کامل به سوی دین خدا دعوت می‌کنم»<sup>(۶)</sup>. در این دو آیه منظور از نور و بصیرت، علم و دانش است. در نتیجه یعنی اگر انبیاء را حاکم شما قرار دادم به آنها علم و حکمت هم دادم. خداوند متعال طالوط را به خاطر علم و قدرتش برگزید و امر خلافت و

<sup>۱</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۱۳۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

<sup>۲</sup> ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۶۰۸. محقق: غفازی، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین. چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.

<sup>۳</sup> سوره، ص (۳۸)، آیه ۲۰.

<sup>۴</sup> سوره نمل، (۲۷)، آیه ۱۵.

<sup>۵</sup> سوره احزاب، (۳۳)، آیه ۴۶.

<sup>۶</sup> سوره یوسف، (۱۲)، آیه ۱۰۸.

امامت به او داد: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (۱)، خداوند او را بر شما برگزیده و علم و دانش و قوای جسمانی او را فزونی بخشیده است.

### ج. عادل باشد

خدای سبحان در این باره می‌فرماید: «قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (۲)، عهد من (امامت) به ستمکاران نمی‌رسد. خطاب به داود (ع) می‌فرماید: «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (۳). ای داوود ما تو را در زمین جانشین خود قرار دادیم پس حکم کن بین مردم به حق (و عدل). خدای سبحان مقام خلافت را به این شرط به داوود (ع) می‌دهد که به عدالت رفتار کند، یعنی واگذاری امامت را منوط به عادل بودن می‌داند.

امام علی (ع) فرمود: «دَوْلَةُ الْعَادِلِ مِنَ الْأَوْجِبَاتِ» (۴). دولت شخص عادل از واجبات (و از اموری است که ثابت و پایرجا است). یعنی سپردن امور حکومتی به افراد عادل از واجبات است.

### د. امام باید پرهیزکار، بردبار، شجاع و سخاوتمند باشد

امام رضا علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «لِلْإِمَامِ عَلَامَاتٌ يَكُونُ أَعْلَمَ النَّاسِ وَأَحْكَمَ النَّاسِ وَأَتْقَى النَّاسِ وَأَحْلَمَ النَّاسِ وَأَشْجَعَ النَّاسِ وَأَسْحَى النَّاسِ» (۵)؛ برای امام چند علامت است: باید داناترین، استوارترین، پرهیزکارترین، بردبارترین، شجاع‌ترین و سخاوتمندترین مردم باشد.

نماز می‌گوید از چنین امامان پیروی و اطاعت کنید، چنین امامان الگوی شما در تمام امور زندگی باشد، جامعه‌ای که از چنین امامان پیروی کند خوار و ذلیل نمی‌شود زیرا بار استکبار نمی‌رود، در مقابل

۱. بقره، (۲)، آیه ۲۴۷.

۲. سوره، بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

۳. ص (۳۸) آیه ۲۶.

۴. تمیمی آمدی، عبدلواحدین محمد. تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ح ۷۷۳۹. قم: دفتر تبلیغات. چاپ اول. ۱۳۶۶ ش.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. محقق، غفاریف علی اکبر. ج ۴، ص ۴۱۸. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.

مستکبرین می ایستد، فریاد چنین جامعه در مقابل مستکبرین فریاد امامش «هیئات من الذلّه»<sup>(۱)</sup> است، این گونه جامعه از اسارت هواهای نفسانی و از اسارت قدرت های شیطانی آزاد است و در مسیر صراط مستقیم و صراط سعادت، امنیت و رفاه قرار دارد.

با توجه به این که مردم بسیاری از کشورهای اسلامی اهل نماز است، اما خوار و ذلیل است، استقلال و آزادی ندارند، وابسته به قدرت های شیطانی هستند، برای این است که نمازش نماز بدون ولایت است، مسلماً نماز بدون ولایت امام عادل، عزت و سرفرازی به همراه ندارد، چنین نماز مانند عبادت شیطان است که سال ها به طول انجامید و در آخر گمراه شد، چون از ولی مطلق اطاعت نکرد.

## ۸. رهایی از بی مهری و نامهربانی

«بسم الله الرحمن الرحيم»

شروع می کنیم به نام خدای بخشنده و مهربان، خدای که لطف و مهرش همگانی و همیشگی است. رمز این آغاز اعلام بندگی به خدا و نشانه عشق است، خود را در پناه و حفاظت او قرار دادن است و حدت یکپارچگی است، توکل، استمداد و وابستگی به اوست. کنار گذاشتن بدی ها و پلیدی ها است، کنار گذاشتن خودخواهی ها و خودپرستی ها است، کنار گذاشتن تعصبات نژادی و قومی است، کنار گذاشتن تفرق دودستگی است. زیر پا گذاشتن قدرت های استکباری و شیطانی است، زیر پا گذاشتن وسوسه های شیطانی است؛ و در نتیجه استقلال و آزادی است، آزادی از وسوسه های نفسانی و شیطانی، آزادی از وابستگی به قدرت های پوشالی شرق و غرب در امور نظامی، اقتصادی، علمی و فرهنگی.

از این روست که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «کل أمر ذی بال لم یذکر فیه اسم الله، فهو أبتَر»<sup>(۲)</sup>؛ هر کار مهمی که بدون نام خدا شروع شود بی فرجام است.

خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید که هدایت و تبلیغ را به نام او شروع کند: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»<sup>(۳)</sup>؛ زیرا رمز موفقیت و پیروزی در نام او و استعانت به اوست.

۱. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مشیر الأحران)، ص ۴۲. ایران؛ قم: حاذق. چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش

۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۰۵. قم: مؤسسه بعثه. چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.

۳. سوره علق، (۹۶)، آیه ۱.



و حضرت نوح به رای رسیدن به مقصود، در آن طوفان سهمگین به یاران خود دستور می‌دهد که در هنگام حرکت و در موقع توقف کشتی «بِسْمِ اللَّهِ» بگویند «وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا»<sup>(۱)</sup>؛ زیرا رمز موفقیت و پیروزی را در نام او می‌بیند.

حضرت سلیمان رمز پیروزی را به نام خدا می‌بیند و لذا نامه به ملکه سبا می‌نویسد سرآغاز آن را «بِسْمِ اللَّهِ» قرار می‌دهد «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ...»<sup>(۲)</sup>.

زیرا مسلم است کار که با تکیه بر قدرت که مافوق همه قدرت‌ها است، یاری کننده که مافوق همه یاری کننده‌ها است، یاری کننده که در هر زمان و مکان توان یاری کردن دارد، باعث احساس نیرو و توان بیشتر می‌شود، باعث تلاش و کوشش بیشتر می‌شود، باعث می‌شود که در مشکلات و سختی‌ها مأیوس نشود و این رمز دیگر پیروزی به هنگام شروع کار به نام خدا است.

## ۹. رهایی از تملق

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

حمد و ستایش، مخصوص خداوندی است که همه جهانیان را پرورش می‌دهد. رمز این جمله نیز اعلام بندگی به خدا است، اعلام وحدت و یکپارچگی است، اعلام بیزاری از تملق و بله قربان گفتن در مقابل زر و زر تزویر است، اعلام بیزاری از تملق در مقابل مستکبرین است. در نتیجه رمز آزادی از اسارت هواهای نفسانی و قدرت‌های شیطانی است.

این جمله می‌گوید: همان‌گونه که خالق همه جهان یکی است، پرورش‌دهنده همه جهان نیز یکی است. اوست که برای پرورش جسم، آب، هوا، خاک و آتش را آفرید.

و برای پرورش روح، انبیاء و کتاب‌های آسمانی همراه با قوانین دین که مبتنی بر فطرت و متکی بر عقل است فرستاد.

این جمله درعین حال که نیاز مطلق انسان را به خدا بیان می‌کند یعنی در پرورش جسم و روح خود در هر زمان و مکانی نیازمند خداوند متعال هستید و از طرف بی‌نیاز انسان را به سایرین بیان می‌کند، عده

<sup>۱</sup>. سوره هود، (۱۱) ف آیه ۴۱.

<sup>۲</sup>. سوره نحل، (۱۶)، آیه ۳۰.

بدون جهت فکر نکند ولی نعمت دیگران است، اگر نعمت و قدرتی در اختیار آن‌ها قرار گرفته، وسیله آزمایش آن‌ها است وظیفه آن‌ها است که این نعمت و قدرت را برای امنیت و آسایش دیگران به کار گیرد. مبدا به جای تقدیر تشکر از نعمت که در اختیارشان قرار گرفته مغرورانه قد علم کند. «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ»<sup>(۱)</sup>؛ و همین که احساس بی‌نیازی کرد، سر به طغیان بی‌گذاری. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِيظْفَى، أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى»<sup>(۲)</sup>. و نعمت‌های الهی را، نتیجه تلاش خود بدانی. «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَى عِلْمٍ»<sup>(۳)</sup>.

جمله الحمد لله رب العالمین، غفلت‌ها را از بین می‌برد، نعمت‌ها را به یاد می‌آورد و ما را متوجه و متذکر ربوبیت الهی می‌کند. غیر او اربابی وجود ندارد، «وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ»<sup>(۴)</sup>؛ او رب همه چیز است و او پروردگار تمام هستی و تمام مخلوقات است.

## ۱۰. رهایی از منیت و تفاخر

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»

خداوند مالک روز جزا است، خداوند مالک تمام هستی است، هرچه است از اوست، قدرت عزت از آن اوست، علم و دانش از آن اوست، لطف و محبت از آن اوست. سلطنت و پادشاهی از آن اوست. در مقابل او دیگران هیچ نیست و هیچ چیزی ندارند.

با توجه به این که خداوند مالک تمام جهان است اما تعبیر به مالک روز جزا به این خاطر است که اولاً: در این جهان انسان مالک اعتباری و مجازی اشیاء است، خداوند قدرت تصرف در اشیاء و دیگران را به صورت محدود در اختیار او گذاشته است که با این قدرت خود می‌تواند به دیگران ظلم و ستم کند و یا به دیگران کمک کند؛ و از این روست که انسان را مکلف به تکلیف نموده است؛ اما در روز جزا انسان هیچ قدرتی ندارد و هیچ کاری را نمی‌تواند انجام دهد و لذا مکلف هم نیست

۱. سوره انفطار، (۸۲)، آیه ۶.

۲. سوره علق، (۹۶)، آیه ۶ و ۷.

۳. سوره زمر، (۳۹)، آیه ۴۹.

۴. سوره انعام، (۶)، آیه ۱۶۴.

و ثانیاً: در قیامت، همه اعتراف خواهند کرد که جهان و هر چه در آن است، از اوست و مالک هستی و فرمانروای مطلق و حاکم حقیقی اوست: «الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»<sup>(۱)</sup>، فرمانروایی در آن روز از آن خداست «وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ»<sup>(۲)</sup>؛ فرمان در آن روز مخصوص خداست. در قیامت، از مردم سؤال می‌شود: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ» حکومت، امروز از آن کیست؟ می‌گویند: «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»<sup>(۳)</sup> از آن خدای یکتای قهار و نیرومند.

همان‌گونه که حمد و ستایش منحصر خدا است مالکیت نیز در انحصار خداوند است، او مالک حقیقی تمام هستی است، مالکیت دیگران مجازی و اعتباری است. در نماز با این جمله در هر شبانه‌روزی چندین بار اعتراف به مالکیت خدا است و نفی مالکیت از کسانی است که فکر می‌کنند که مالک و صاحب اختیار انسان‌ها است، مالک این جهان است، منابع و ثروت این جهان را به نفع خود به نفع گروه و کشور و نژاد خود مصادره می‌کنند. در واقع این شعار مبارزه با استکبار و استبداد است، با این جمله اعلام می‌کنیم که‌ای مستکبرین این جهان و ثروت این جهان مال خدا است مال شما نیست، شما بر منابع و ثروت این جهان چنگ انداختید با هزاران جنایت و کشتار منابع را که خداوند در اختیار بندگانش گذاشته غصب نمودید؛ ما مالکیت شما را به رسمیت نمی‌شناسیم، ما برای رهای از اسارت و توزیع عادلانه ثروت و قدرت با شما مبارزه می‌کنیم تا این وعده الهی با ظهور حضرت حجت ابن الحسن تحقق یابد.

## ۱۱. رهایی از بت‌پرستی و وابستگی به دیگران

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم. نمازگزاران می‌گویند: خدایا تنها تو را پرستش می‌کنیم و تنها تسلیم تو هستیم و گوش‌به‌فرمان تو هستیم و تنها از اوامر و نواهی تو پیروی می‌کنیم و به دستور تو مطیع انبیاء و اولیای تو هستیم و هیچ‌چیزی را شریک تو قرار نمی‌دهیم؛ یعنی به‌غیراز تو تسلیم هیچ‌کسی و هیچ قدرتی و هیچ‌چیزی نیستیم، نه تسلیم امیال نفسانی مثل مال، مقام، زن، فرزند و

۱. سوره حج، (۲۲)، آیه ۵۶.

۲. سوره انفطار، (۸۲)، آیه ۱۹.

۳. سوره غافر، (۴۰)، آیه ۱۶.

شکم و شهوت می‌شویم، نه تسلیم قدرت‌های شیطانی شرق و غرب می‌شویم و نه تسلیم افکار و عقاید انحرافی یهودیت، مسیحیت و وهابیت، بهایت و عقاید مزخرف اجسام پرستی می‌شویم.

نمازگزاران می‌گویند خدایا هر کاری که انجام می‌دهیم به استعانت توست، در خوردن و خوابیدن، در سخن گفتن و نوشتن، در نشستن و ایستادن، در توقف و راه رفتن، در تفکر و اندیشیدن، محتاج استعانت تو هستیم، خدایا در مبارزه با هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی به تو پناه می‌بریم، خدایا در صبر و مقاومت در مقابل دشمنان در مقابل مستکبرین ظالم، فاسقین بی‌خرد و منافقین کوردل از تو کمک می‌خواهیم، خدایا در اراده نمودن و تصمیم گرفتن بر ای انجام کاری نیازمند کمک و استعانت تو هستیم، بدون کمک تو هیچ کاری و هیچ حرکتی را نمی‌توانیم انجام دهیم. خدایا در عبادت کردنت از تو استعانت می‌جویم، در تسلیم بودنیم به تو از تو استعانت می‌طلبیم.

با این جمله نمازگزار، درس عزت و آزادی را در سایه بندگی خدا می‌آموزد تابنده و برده غیر خدا نشوند و از تهدیدها، نه هراسند و در تطمیع‌ها، نلغزند و هرگونه حاکمیت غیر خدا را محکوم می‌کنند و حقارت پذیری و استمداد از قدرت‌های پوшالی را نفی می‌کنند.

## ۱۲. رهایی از انحرافات

«إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

نمازگزار پس از حمد و ستایش و اظهار بندگی و استمداد، از خدا درخواست هدایت به راه راست را می‌کنند. خدایا در مسائل اعتقادی و امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ما را به صراط مستقیم هدایت کن.

صراط مستقیم، یعنی آیین خداپرستی، آیین توحیدی و یکتاپرستی، صراط مستقیم یعنی پیروی از نبوت و امامت، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (۱)؛ بگو خداوند مرا به صراط مستقیم هدایت کرده: به دین استوار، آئین ابراهیم که هرگز به خدا شرک نورزید. در این آیه آئین توحیدی ابراهیم به‌عنوان صراط مستقیم معرفی شده است.

۱. سوره انعام، (۶)، آیه ۱۶۱.

«أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»<sup>(۱)</sup>؛ ای فرزندان آدم مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید (به دستورات او عمل ننمایید) و مرا پرستش کنید این همان صراط مستقیم است. در این آیه پرستش خداوند متعال صراط مستقیم معرفی شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این باره می‌فرماید: «الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُمُ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»<sup>(۲)</sup>؛ صراط مستقیم راه پیامبران است و همان‌ها هستند که مشمول نعمت‌های الهی شده‌اند.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه فرمودند: «والله نحن الصراط المستقیم»<sup>(۳)</sup>؛ به خدا سوگند ما نیز صراط مستقیم.

نمازگزاران می‌گویند: خدایا ما را به آیین خداپرستی توحیدی هدایت کن و نگزار در دام نفس‌پرستی و بت‌پرستی گرفتار شویم.

خدایا ما را در خط انبیاءت که ره نجات است هدایت کن و نگزار در جهل و تاریکی بمانیم.

خدایا ما را در خط ائمه معصومین (ع) که خط عدالت است هدایت کن و نگزار در تاریکی ظلم و فساد گرفتار شویم.

مسئلاً نماز دارای چنین آثار است که صادقانه باشد، از روی اعتقاد باشد و آنچه در نماز می‌گوید عمل نماید و نماز باید با تمام شرایط صحت و قبولی اقامه شود و گرنه صدسال هم که نماز بخوانیم نه رهای از بردگی و اسارت است و نه عروج به سوی ملکوت است.

<sup>۱</sup>. سوره یس، (۳۶)، آیه ۶۱ و ۶۲.

<sup>۲</sup>. العروسی الحویزی. عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین. محقق: رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۲۰. قم: اسماعیلیان. چاپ: چهارم، ۱۴۱۵ ق.

<sup>۳</sup>. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. محقق: درگاهی، حسین، ج ۱، ص ۶۸. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات. چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.

## نتیجه‌گیری

مهم‌ترین یافته‌های این مقاله به شرح ذیل است:

۱. نماز در لغت فارسی، به معنای خم شدن، تعظیم کردن پرستش، بندگی و اطاعت است. در لغت عرب، صلاة به معنای دعا، توجه، انعطاف و از عبادات مخصوص است.

۲. رهایی از آلودگی ظاهری و باطنی

نماز مانند یک نهر روان است که هم آتش‌های گذشته را خاموش می‌کند و هم نمی‌گذارد انسان بعداً گرفتار آتش شود. هم جلو آلودگی‌ها را می‌گیرد و هم آلودگی‌های گذشته را از بین می‌برد.

۳. رهایی از بی‌نظمی

همان‌گونه که نماز از حیث زمان و جهت و افعال و اذکار منظم است، نمازگزاران نه تنها در نماز بلکه در انجام تمام امور باید منظم باشد. نمازگزار با اقامه نماز نظم را در کارها می‌آموزد.

۴. رهایی از ترس قدرت‌های پوشالی

با گفتن «الله‌اکبر» انسان احساس قدرت، عزت و افتخار می‌کند، زیرا بر بزرگ‌ترین و قدرتمندترین و داناترین و غنی‌ترین موجود هستی تکیه زده است و با او ارتباط برقرار کرده است و با او پیمان امنیتی، سیاسی و اقتصادی بسته است، بنابراین دیگر از قدرت‌های شیطانی نمی‌هراسد.

۵. رهایی از خدایان دروغین

با گفتن «اشهد ان لا اله الا الله» اعلام می‌کند هیچ خالق غیر از خدا وجود ندارد، در گستره هستی فقط یک خالق وجود دارد که آن خداوند متعال است، این شعار نفی خدایان زر و زور تزویر است، کنار گذاشتن خدایان سنگی و چوبی است، کنار گذاشتن خدایان خرافی ماه خورشید و ستاره و خدایان گاو انسان و شیطان است.

۶. رهایی از جهل و نادانی

نمازگزار با گفتن «اشهد ان محمد الرسول الله» اعلام می‌کند از پیام‌آوران الهی پیروی می‌کند تا از انحراف و کج‌روی نجات یابید، از ظلم ستم نجات یابید، از جهل و نادانی نجات یابید، از اسارت و بردگی مستکبرین نجات یابید، از بندگی خدایان دروغین نجات یابید، از نفس‌پرستی و شیطان‌پرستی نجات یابید.

۷. رهایی از ظلم و فساد

نمازگزار با گفتن «اشهد ان علیا ولی الله» اعلام پیروی از ولایت و امامت می‌کند تا عدالت اجتماعی را اجر شود و با ظلم و فساد مبارزه شود، از حقوق مظلومین دفاع شود و بندگان خدا به سوی فضائل و معارف دینی هدایت و راهنمای شود.

۸. رهایی از بی‌مهری و نامهربانی

نمازگزار با گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع می‌کند به نام خدای بخشنده و مهربان، خدای که لطف و مهرش همگانی و همیشگی است. شروع می‌کند به کنار گذاشتن بدی‌ها و پلیدی‌ها، کنار گذاشتن خودخواهی‌ها و خودپرستی‌ها، کنار گذاشتن تعصبات نژادی و قومی، کنار گذاشتن تفرق دودستگی.

۹. رهایی از تملق

نمازگزار با گفتن «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» اعلام بی‌زاری از تملق و بله قربان گفتن در مقابل زر و زر و تزویر می‌کند، اعلام بی‌زاری از تملق در مقابل مستکبرین می‌کند و خود را از تملق گوی رها می‌کند.

۱۰. رهایی از منیت و تفاخر

نمازگزار با گفتن «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» اعلام می‌دارد که خدا مالک حقیقی تمام هستی است، مالکیت دیگران مجازی و اعتباری است. نفی می‌کند مالکیت کسانی را که فکر می‌کنند که مالک و صاحب اختیار انسان‌ها است، مالک این جهان است.

۱۱. رهایی از بت‌پرستی و وابستگی به دیگران

نمازگزار با گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» اعلام می‌کند خدایا تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌طلبم و تنها تسلیم تو هستم و تنها از اوامر و نواهی تو پیروی می‌کنم و به دستور تو مطیع انبیاء و اولیای تو هستم و هیچ‌چیزی را شریک تو قرار نمی‌دهم.

۱۲. رهایی از انحرافات

نمازگزار با گفتن «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» از خداوند استمداد می‌جوید که او را در مسائل اعتقادی و امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی به راه راست هدایت کند و از انحرافات نجات دهد.



## منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. تحقیق: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی للصدوق. تهران: کتابچی. چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال. محقق: غفازی، علی اکبر. قم: جامعه مدرسین. چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.
۶. ابن نما حلی، جعفر بن محمد، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان). ایران؛ قم: حاذق. چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش
۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه بعثه. چاپ: اول، ۱۳۷۴ ش.
۸. بستانی، فواد افرام. فرهنگ ابجدی. تهران: نشر اسلامی. چاپ: دوم، ۱۳۷۵.
۹. الترمذی السلمی، ابو عیسی محمد بن عیسی. سنن الترمذی. تحقیق: أحمد محمد شاکر و آخرون. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدلواحد بن محمد. تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی. قم: دفتر تبلیغات. چاپ اول. ۱۳۶۶ ش.
۱۱. جر، خلیل. فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طبیبیان. تهران: چاپ خانه سپهر، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.
۱۲. الحرانی أبو العباس، أحمد عبد الحلیم بن تیمیة. کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة. تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی. دار النشر: مکتبة ابن تیمیة، چاپ دوم.
۱۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر. محقق: حسینی کوهکمری، عبد اللطیف. قم: بیدار، چاپ، ۱۴۰۱ ق.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. تهران: نشر مرتضوی. چاپ: دوم، ۱۳۷۴.
۱۵. الزهاوی، جمیل صدقی. الفجر الصادق. استانبول: مکتبه اشیق. چاپ ۱۹۸۴ م.
۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج البلاغة (للصباحی صالح). قم: هجرت. چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۷. العروسی الحویزی. عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین. محقق: رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان. چاپ: چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۸. عمید، حسن. فرهنگ عمید. تهران: چاپ خانه سپهر. چاپ هجدهم ۱۳۶۲.
۱۹. قرشی، علی اکبر. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب السلامیه. چاپ: ششم، ۱۳۷۱.
۲۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. محقق: درگاهی، حسین. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات. چاپ: اول، ۱۳۶۸ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. معین، محمد. برهان قاطع.
۲۳. النیسابوری القشیری، ابوالحسین مسلم بن الحجاج. صحیح مسلم. تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۴. هفت آسمان، فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب، مقاله آقای عبدالرحیم سلیمانی، ش ۲۲، تابستان ۸۳، ص ۱۱۳.